

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سایت المیادین لبنان ، ۲۳ اکتوبر ۲۰۲۲
نویسنده: دکتر موفق محادين، استاد دانشگاه و عضو اتحادیه نویسندگان اردن
برگردان: احمد مزارعی
۲۴ اکتوبر ۲۰۲۲

جنگ ناتو و صهیونیسم علیه ایران



پایتخت کشورهای اعراب مرتجع تبدیل به مراکز جاسوسی سیاستگذاریهای اطلاعاتی دو کشور انگلستان و امریکا گردید تا بتوانند به تبلیغات منفی علیه حکومت دکتر محمد مصدق پرداخته و آن را سرنگون کنند، مصدق جزء جنبش روحانیت نبود بلکه بیشتر به سکولاریسم سیاسی نزدیکی داشت، متأسفانه تجربه حکومت ملی وی در سال ۱۹۵۳، با کمک کشورهای مذکور سقوط کرد و شاه فراری مجدداً به حکومت بازگردانده شد و از پشتیبانی نیروهای ارتجاعی عرب که به انتظار بازگشت شاه بودند برخوردار شد، حاکمان منطقه ابتداء و ابسته به اتحاد پیمان آتلانتیک شمالی بودند که در ادامه نام خود را به پیمان «بغداد آنکارا» تغییر داد. این پیمان پس از سقوط شاه به تشکیل ائتلافی با شرکت صدام حسین اقدام نموده و جنگی منطقه‌ئی و جهانی را علیه ایران انقلابی سازمان دادند (۱) با شروع جنگ همه منطقه شرق عربی و خاورمیانه به وسیله این ائتلاف وارد مجموعه ای از جنگها، بحرانها و مشکلاتی بسیار گسترده ای گردید که تاکنون با قوت تمام ادامه دارد، در میان این درگیریها و انشعابات نیروهای نوینی (به نام محور مقاومت) سربرآورد که با اسرائیل و منافع امریکا و استعمار در منطقه در تضاد قرار گرفته و مجموع منافع امریکا و پیمان ناتو را که در ارتباط با اسرائیل قرار داشت مورد تهدید قرار داده است

در این دوره منطقه شرقی اعراب شامل کشورهای مصر، سوریه و عراق به طور دایم مورد هدف نیروهای ائتلاف ، امریکا ، اروپا و صهیونیسم و وابستگانش یعنی کشورهای مرتجع نفتی و غیرنفتی عرب قرار داشت و این ائتلاف سیاه

ابتداء توانست قاهره را شکست داده و از میدان مقاومت خارج کند ، سپس اشغال بغداد در سال ۲۰۰۳ ، در پی آمد ، اما سیاست ائتلاف سیاه مذکور در برابر قلعه مستحکم سوریه با شکست روبه رو شد و سوریه پابرجا ایستاد . در مورد ایران و ترکیه باید گفت که ایران بعد از سقوط شاه مورد تهاجم دائمی این ائتلاف قرار داشت و همچنان این تهاجم ادامه دارد ، در مورد ترکیه باید گفت که این کشور هدف آینده ناتو خواهد بود ، تجربیات سابق بسیاری از کشورها نشان داده است که کشورهایی که به این ائتلاف امپریالیستی پیوستند نیز دیر یا زود به اشغال آنها در خواهند آمد .

زیرا ائتلاف اسرائیلی – امپریالیستی هیچ شراکتی به جز سرسپردگی کامل از کسی قبول نمی کند و این شریک هر چقدر که خوش خدمتی مطلوب نسبت به آنها نشان دهد مورد قبول واقع نخواهد شد ، ائتلاف مذکور خواستار آنچنان سرسپردگی می باشد که همه تصمیم گیریهای سیاسی و اقتصادی از این کشورها سلب شده آنچنان که با عراق و لیبیا عمل کردند .

در پرتو آنچه توضیح داده شد ، هم اکنون این ائتلاف بعد از سقوط شاه ، جنگی جهانی را علیه ایران سازمان داده است ، ابتداء صدام را تحریک و تشویق نمودند با این وعده که وی می تواند با شرکت در جنگ علیه ایران جانشین شاه در منطقه شده و حمایت کشورهای نفت و گازی خلیج را به عهده بگیرد ، اما پایان این جنگ بیهوده این بود که دو کشور توانائی و امکانات عظیم خود را با دستان خود نابود کرده و ملل منطقه را از یک نهضت بسیار بزرگ اقتصادی محروم نمودند .

امروز نیز این ائتلاف سیاه درصدد است که جنگی منطقه ئی و بین المللی را علیه ایران به راه بیندازد و دستاوردهای محور مقاومت و ممانعت را که طی دوره بعد از انقلاب ایران علیه استعمارگران و تروریسم آنها در منطقه به وجود آمده بر باد دهد ، و مهمتر این که دستاوردهای این ائتلافات معتبر و قدرتمندانه ای را که میان این اردوگاه از یک طرف و روسیه و چین از طرف دیگر به وجود آمده متوقف سازد ، این ائتلاف به مثابه کلید ستراتیژیک جهانی بسیار مهمی میان اوراسیا و «جاده ابریشم» می باشد که شامل بازاری بسیار بزرگ با درآمدهای سرشار برای ایران و منطقه میباشد . هم اکنون نیز «ائتلاف سیاه» همچون گذشته می کوشد حکومتهای منطقه خلیج را که حافظان نفت و گاز (برای استعمارگران) می باشد مجدداً علیه ایران و هر کشور دیگری که در منطقه به استقلال ملی و کرامت خود پایبند باشد ، به کار بگیرند و در این مسیر همچون گذشته سیاستهای فریبکارانه و ایدئولوژی طایفه ئی را که مناسب اسرائیل باشد به خدمت می گیرند .

در اینجا باید در مورد فریب خوردگانی که به بیماری فراموشی و بدفهمی دچار شده و از خطر ایران در مناطق ، و جزایر سه گانه و یا «عربستان» (۲) (منظور خوزستان است) صحبت می کنند حتی از خطر ایران در دوره قبل از اسلام پیش از آن که ایرانیها مسلمان شوند نیز صحبت می کنند ، اما از خطر کنونی توسعه طلبی اسرائیل ، ناتو ، خطر و یا خطرات تجاوزات گوناگون امریکا و اروپا صحبتی به میان نمی آورند ، و یا از خطر ترکیه نیز صحبتی نمی شود که سرزمینهای بسیار گسترده تر و مهمتری از جزایر سه گانه و عربستان را به اشغال خود درآورده است .

آیا سرزمین فلسطین که توسط اسرائیل که دشمن اصلی و اشغالگر فلسطین به حساب می آید و از طرف امریکا که دوست همه شما ها مرتجعین می باشد ، مورد حمایت قرار دارد چرا صحبتی به میان نمی آورید؟ آیا سرزمین مقدس فلسطین مستحق یادآوری و دفاع نمی باشد؟ تا به دفاع از آن برخیزید و علیه صهیونیسم و ستمگری در حق ملت مظلوم فلسطین مبارزه کنید؟

همچون اسرائیل اشغالگر، ترکیه اشغالگر را نیز داریم که همچنان رؤیای الحاق موصل و حلب را در سر می پروراند و خواستار احیای قرارداد استعماری لوزان در سال ۱۹۲۳ می باشد

آیا تفسیر همه آنچه را که در بالا گفته شد به این منظور انجام نمی گیرد تا انظار مردم را از دو خطر بزرگ موجود در منطقه منحرف سازند یعنی اسرائیل به عنوان خطر اصلی و ترکیه به عنوان دشمن و همسایه ای احمق. حقیقت اینست که جنگ اعراب مرتجع علیه ایران اتفاق تازه ای نیست و تنها از زمان انقلاب تازه ایران در سال ۱۹۷۹، آنچنان که ادعا می شود، آغاز نشده بلکه به طور مشخص به بیش از یک ربع قرن قبل از انقلاب ۱۹۷۹ و در مرحله مبارزات نوین ملی در ایران باز می گردد که رهبر حکومت ایران دکتر محمد مصدق اقدام به ملی کردن صنعت نفت ایران نمود و وارد یک درگیری با شرکتهای نفتی انگلستان و امریکا گردید.

در نیمه های سال ۱۹۶۰، میلادی مجدداً تظاهرات گسترده نیروهای مذهبی و ملی علیه شاه شعله ور گردید در این تظاهرات عکسهای جمال عبد الناصر نیز به صحنه آورده شد، این بار نیز مجدداً اعراب مرتجع منطقه متحداً به میدان آمده و تحت نام «کنگره اسلامی»، حمایت خود را از شاه که آنها وی را حامی مسلمانان می دانستند و در ضدیت با نیروهای ملی و مخالفان شاه با تمام معنای گسترده آن که شامل روحانیون به رهبری طالقانی، خمینی و همچنین حزب توده نیز می شد (۳)، متحد شدند. شگفت انگیز این که در آن دوره ائتلاف اعراب مرتجع که همگی سنی و از پیروان عمر بودند با شاه شیعی، (شاه به ادعای خودش کمر بسته قمر بنی هاشم و امام رضا بود) علیه مصدق و خمینی متحد شده بودند.

در دوره مذکور اعراب مرتجع، انواع گوناگون اسلام امریکائی را به خدمت می گرفتند تا علیه نیروهای ملی، مترقی و همچنین رهبران سیاسی مبارزات ضد امریکائی و در خاورمیانه همچون مصدق در ایران و عبد الناصر در مصر استفاده کنند، عجیب این که همان اعراب مرتجع دیروزی امروز در رأس اعراب نفتی قرار داشته و با دفاع از عرب و قومیت عربی به ضد ایران استفاده می کنند، چرا و از چه زمانی؟ تنها از زمانی که شاه ایران سرنگون شد و سفارت اسرائیل تبدیل به سفارت فلسطین در تهران گردید و دولت ایران خود بر نفت و ثروتهای ملی خود تسلط پیدا کرد، به این معنی که جنگ و مخالفت اعراب مرتجع علیه ایران در هماهنگی با همان جنگ صهیونیسم، و امپریالیسم و شرکتهای نفتی علیه ایران است

اما در مورد خصوصیت ترکیه و مشابهت آن با ایرانی ها که این روزها از صبح تا شام علیه ایران تبلیغ می شود، باید به ملاحظات زیر توجه کرد:

یکم - در مقابل ترکهای بادیه نشین، به ویژه در آسیای میانه و شمالی، پیش از انتقال آنها به آسیای غربی - شمالی، که به جنگهای بادیه نشینان ترک و آوردنشان از طرف بیژانس ارتدوکس، برای مقابله با مغولها و تهاجمات کاتولیک (جنگها و تهاجمات صلیبی) آغاز شد.

در مقابل این تاریخ ترکها، آنچنان که ابن فضلان، از علماء و محققان عصر خلافت عباسی، نوشته است، ملت‌های ایرانی در تمدن اسلامی - عربی، شرکای کامل هستند، بلکه غالب علماء و فلاسفه و نحویها در این تمدن به ملت‌های ایرانی منتسب می باشد.

بی معنی نیست که بعضیها بر این نظر می باشند که خلاف این مقوله که مغلوبان مقلد و تابع غالبان می شوند، ولی در مورد اعراب غلبه یافته باید گفت که آنها بیشتر مایل بودند تا از مغلوبین خود (یعنی ملل ایرانی) تقلید کنند.

دوم - در مقابل تسلط غالبان عرب بر مغلوبین ملت‌های ایرانی ، در اینجا ترک‌هایی که کمتر پیشرفته بودند بر اعراب تسلط یافتند ، در ابتداء طوایف سلجوقی که در دربار عباسی ها نفوذ کردند و در پایان که به اشغال کامل در سال ۱۵۱۶ ، انجام گرفت و قرن‌ها به طول انجامید که این تسلط همراه بود با استبداد ، عقب ماندگی و حکومت‌های فئودالی.

زیرنویسها:

(۱) - خلاصه ای فشرده: بنا به نوشته حامد حمدانی، استاد تاریخ و عضو سابق حزب کمونیست عراق در کتاب چهارصد صفحه ئی اش: «اسرار و خفایا حرب العراقیه الایرانیه» بعد از انقلاب ایران ، رامسفلد معاون ریگان رئیس جمهور سابق امریکا به عراق مسافرت کرده در ملاقات با حسن البکر پیشنهاد داد که عراق و امریکا با کمک هم ایران را شکست داده و بر خلیج فارس و خوزستان تسلط پیدا کنند و ایران تنها به بحیره عمان دسترسی داشته باشد و تنگه هرمز نیز در اختیار عراق و امریکا باشد، حسن البکر این پیشنهاد را پذیرفت ، لذا رامسفلد به صدام حسین مراجعه کرده که متأسفانه وی کورکورانه پیشنهاد رامسفلد را پذیرفت و در مدت کوتاهی تمام اسلحه های مدرن امریکا در عربستان را به عراق منتقل کردند ، و تو خود حدیث مفصل.....

(۲) - حضور هموطنان عرب خوزستانی در ایران به صدر اسلام یعنی بیش از هزار و اندی سال برمی گردد ، در آن برهه حاکمان اسلامی بسیاری از قبایل عرب بنی طرف ، تیمی و.. را به خوزستان منتقل کردند تا در انتشار دین مبین اسلام مفید واقع شوند. ولی سرزمین خوزستان متعلق به قومیت ایرانی خوزی می باشد که از قدیم و قبل از اسلام در خوزستان زندگی می کرده اند البته امروز برادران عرب ما در خوزستان شهروندان ایرانی محسوب می شوند و در سرنوشت کشور همچون سایرین متساوی الحقوق بوده و در آبادی و رونق آن شریک، و نقش برجسته ای را هم ایفاء کرده اند

(۳) - در جریان قیام خرداد-جوزا- سال ۱۳۴۲، رهبر اصلی قیام آیت‌الله خمینی بود، در آن دوره حزب توده توسط ساواک متلاشی شده و احتمال اعضای متفرقه و فردی شاید در قیام شرکت داشتند که باید به اسناد مراجعه کرد. در جریان قیام خونین خرداد ۱۳۴۲، بیش از چند مجتهد اعلم که در آن زمان وجود داشتند ویژه آیت الله بروجردی شدیداً با آقای خمینی مخالف بودند، اما خمینی یک تنه و با حمایت هزاران نفر از مردم عادی فقیر و زحمتکش ، بازاری و طلبه های کوچ و بازار به مصاف شاه رفت، در آن دوره خمینی خواستار سقوط شاه نبود بلکه با این خطابه از بالای منبر کوشید وی را از ادامه اجرای «کاپیتولاسیون» و نوکری و وابستگی به امریکا بازدارد، خمینی در پیامش از بالای منبر به شاه چنین گفت: «بدبخت نوکری ملت خودت بکن که آقای دنیا باشی»، اما شاه راه نوکری امریکا را ادامه داد و صدها نفر از مردم کوچ و بازار را در انروزها به خاک و خون کشیدو.....

(۴) - دو کشور اصلی پیروز جنگ جهانی اول در لوزان گردهم آمده و متصرفات تازه را میان خود تقسیم کردند، در ابتداء قرار بود به کردها نیز دولتی خودمختار بدهند اما به عکس منافع آتی خود را در این دیدند تا به جای دولتی برای کردها ، اسرائیل را به مثابه پایگاه اصلی غرب تشکیل دهند و کردها را هم میان چهار کشور ترکیه، عراق ، سوریه و ایران تقسیم کنند تا اختلافات و جنگ و کشتار دامنه دار به وجود آورده و بدین شکل منافع استعماری آنان در منطقه از قبل این تفرقه تأمین شود و در این میان یهودیان که به لحاظ تاریخی به معضلی برای اروپائیان مسیحی تبدیل شده بود به خاورمیانه کوچ دهند و بنا به گفته چرچیل فاشیست:

یهودیان در اروپا به مثابه غده ای سرطانی در حلق ما بودند ، ما آنها را از حلق خود در آورده و به حلق اعراب و مسلمانان انداختیم.